

Feasibility of Extending the Inheritance Rule in Cases of Deaths with Unknown Timing to Traffic Accidents: A Comparative Approach in Iranian and French Law

Abstract

Verifying the life of the heir after the death of the heir is a basic and necessary condition for the realization of the inheritance. Cases where people have passed away and the exact time of their death and the time of their death before and after each other are not known, according to the basic rule, they do not qualify for inheritance. The aforementioned ruling includes exceptions in the two presumptions of destruction and drowning, and the untimely death of the parties will not prevent inheritance between them. According to the more famous opinion among jurists, this exception should be interpreted narrowly. The civil law also follows the narrow interpretation point of view in Article 873; But according to the opinion of famous jurists, the mentioned exception can be extended to similar cases such as fire, etc. Those who believe in extension, mainly on the basis of some common customary relationships, have considered the titles taken in the allocation evidence to be irrelevant, therefore, based on the cancellation of the characteristics of the titles of drowning and destruction, they have extended the said ruling to similar cases. The present research is written in a descriptive and analytical method and an attempt has been made to discover different evidences and evidences based on special verbal relationships – and not just general customary relationships – by reflecting on the news and the language of evidence, in order to discover the criteria and refine the manat. By that way, it may be possible to extend the sentence to similar cases such as traffic accidents, etc.

Key words: "unknown deaths", "inheritance in case of demolition and drowning", "Article 873 BC", "inheritance in traffic accidents"

امکان‌سنجی تسری حکم توارث در مرگ‌های مجهول‌الزمان به تصادفات رانندگی: رویکردی تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه

چکیده

براساس قاعده اولیه تحقق ارث منوط به احراز حیات وارث در زمان وفات مورث است. بر اساس قاعده ذکر شده در مرگ‌های مجهول‌الزمان رابطه ارث بری منتفی است. حکم مذکور در حقوق فرانسه از یک سو و حقوق ایران از سوی دیگر دارای امثلاثاتی است. در حقوق ایران، حکم مذکور در دو فرض هدم و غرق شامل استثنا شده است. بر اساس قول مشهور میان فقهاء از این استثنا باید تفسیر مضیق صورت گیرد لذا امکان تسری آن به مرگ‌های مجهول‌الزمان ناشی از تصرفات رانندگی، وجود ندارد. قانون مدنی نیز در ماده ۸۷۳ از دیدگاه تفسیر مضیق تبعیت کرده است؛ اما بر اساس دیدگاه مشهور فقهاء، استثناء مذکور، قابلیت تسری به موارد مشابه را دارد. قائلین به تسری بر پایه برخی تحلیل‌ها، عناوین مأخوذ در ادله تخصیص را فاقد موضوعیت دانسته‌اند لذا بر پایه توسعه در مفهوم هدم، حکم مذکور را به موارد تصرفات رانندگی نیز تسری داده‌اند. پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی به نگارش درآمده، تا با تأمل در اخبار و لسان ادله، به کشف قرائن و شواهد متفاوتی بر پایه توسعه در مفهوم هدم از یک سو و تکیه بر مناسبات خاص لفظی جهت کشف ملاک و تنقیح مناط پرداخته شود تا از آن رهگذر، تسری حکم به موارد مشابه از قبیل تصادفات رانندگی ممکن گردد.

واژگان کلیدی: «مرگ‌های مجهول‌الزمان»، «ارث در فرض هدم و غرق»، «ماده ۸۷۳ ق.م.»، «ارث در تصادفات رانندگی»

مقدمه

ارث و ارتباطات مربوط به آن، از جمله مسائل قدیمی در جوامع بشری است که در اسلام تأیید و اصلاح شده است. قانون مدنی احراز حیات وارث پس از وفات مورث را به عنوان شرط اساسی ارث‌بری تعیین کرده است، و بین این دو

مفهوم ارتباط قانونی تنگاتنگی وجود دارد. در شرایطی که افراد به نحوی فوت کرده باشند که نتوان ترتیب زمان مرگ آنها را مشخص کرد و حیات هیچ یک در زمان مرگ دیگری قطعی نباشد، شرایط ارث بری برآورده نمی شود؛ چرا که هیچ یک از افراد در ارث بری نسبت به دیگری اولویت ندارد. بنابراین، چون شرط حیات وارث پس از وفات مورث احراز نشده است، بر مبنای قاعده ای که می گوید وقتی شرطی منتفی است، مشروط نیز منتفی خواهد بود، هیچ مال یا حقی به عنوان ارث بین این افراد جابجا نمی شود.

اما محور اصلی این پژوهش به استثنایی می پردازد که فقها و حقوقدانان ایرانی قائل به آن هستند. فقهای امامیه حکم توارث در موارد غرق و هدم را به عنوان یک استثنا از این قاعده می دانند و در مواردی که تقدم و تأخر وفات افراد مشخص نیست، توارث را جاری می دانند. بر اساس قول مشهور میان فقها از این استثنا باید تفسیر مضیق صورت گیرد. قانون مدنی نیز در ماده ۸۷۳ از دیدگاه تفسیر مضیق تبعیت کرده است؛ اما بر اساس دیدگاه مشهور فقها و خصوصاً فقهای معاصر^۱ همچون امامین انقلاب خمینی (خمینی، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۷۵) و خامنه ای (https://www.leader.ir)، استثناء مذکور، قابلیت تسری به موارد مشابه نظیر آتش سوزی و ... را دارد؛ و خصوصیتی در حاکم بودن توارث و انحصار آن در مرگ های مجهول الزمان ناشی از غرق و هدم نیست.

تضاد آرا ذکر شده و عدم وجود قانون یا رای وحدت رویه سبب بروز مشکلاتی گردیده است به عنوان نمونه: در صورت جلسه نشست قضایی مورخ ۱۳۸۹/۴/۳ استان مازندران آمده است که: هیئت عالی، نظر هیت اتفاقی را نپذیرفته و فوت شدگان ناشی از نشت گاز را از مصادیق صدر ماده ۸۷۳ مدنی دانسته و توارث را در میان آنان حاکم نمی داند. (davoudabadi.ir) و یا در نظریه شماره : ۷/۳۰۸۶ - ۶۱/۶/۱ تصادف رانندگی را مصداق هدم ندانسته و توارث را میان وفات یافتگان حاکم نمی داند (https://dadfaran.com) اما در رأی که از شعبه نهم دادگاه حقوقی شهرستان گرگان صادر شده است در میان کشته شدگان ناشی از تصادف رانندگی توارث را برقرار دانسته است (https://edalatsara.com)

این اختلاف نظر سبب بروز مشکلاتی در رویه قضایی شده است. پژوهش های پیشین عمدتاً به تبیین دیدگاه ها و ادله آنها پرداخته اند یا بر اساس قرائن کلی و برون متنی استدلال کرده اند.

وجه تمایز پژوهش حاضر:

^۱ بهجت محمدتقی: «اظهار جریان حکم توارث است در هر موردی که به مثابه غرق یا هدم از اسباب قهریه می باشد»؛ لطف الله صافی گلپایگانی: به نظر اینجانب احکام مذکوره اختصاص به هدم و غرق در آب ندارد بلکه در هر حادثه ای که مشابه آن باشد مانند غرق در غیر آب و یا سقوط هواپیما و تصادف ماشین و ... جاری است؛ سید عبدالکریم موسوی اردبیلی: (الف) در فرض مزبور از یکدیگر ارث می برند. (ب) چنانچه فوت آنها مستند به حادثه ای واحد باشد از یکدیگر ارث می برند والا خیر؛ حسین نوری همدانی: بلی مانند هدم و غرق از یکدیگر ارث می برند (به نقل از نرم افزار گنجینه استفتانات قضایی، سؤال ۶۷۲، معاونت آموزش قوه قضاییه).

۱. تمرکز بر استظهارات درون‌متنی از ادله

۲. بررسی مناسبات لفظی و معناشناختی الفاظ موجود در اخبار

۳. ارائه وجوه لفظی جدید در تفسیر ادله

این پژوهش به دنبال امکان‌سنجی توارث در مواردی مانند تصادفات رانندگی با استناد به شواهد درون‌متنی و برون‌متنی است، تا از وجاهت و اعتبار بیشتری برخوردار گردد.

۱. توارث در مرگ‌های مجهول‌الزمان در حقوق موضوعه

مسئله توارث در مرگ‌های مجهول‌الزمان ابتدا در حقوق فرانسه و سپس در حقوق ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱ توارث در مرگ‌های مجهول‌الزمان در حقوق فرانسه

قانون مدنی فرانسه در مواردی که چند نفر وارث یکدیگر هستند، در یک حادثه مشترک فوت می‌کنند و ترتیب فوت آنها مشخص نیست، دو رویکرد متفاوت اتخاذ کرده است. در قانون مدنی سابق فرانسه مقرر گردیده بود که باید بر اساس شواهد و شرایط حادثه ترتیب فوت مشخص شود. اگر این شواهد کافی نباشند، فرض بر این است که فرد جوان‌تر یا مرد (در صورت تساوی سن) زنده‌مانده است. ولی در اصلاحاتی که در ۲۰۰۱ در قانون مدنی فرانسه رخ داد، رویکرد کاملاً متفاوتی اتخاذ شده است. در ادامه به این دو رویکرد اشاره می‌شود. (Auré lien Baridé, 2021, 1)

۱-۱-۱ رویکرد پیشین قانون مدنی فرانسه

مواردی وجود دارد که دو یا چند نفر که وارث یکدیگر هستند، در یک رویداد مشترک فوت می‌کنند. در حوادثی مانند سقوط هواپیما، غرق شدن کشتی، تصادفات جاده‌ای، حملات تروریستی، بلایای طبیعی (آتش‌سوزی، بهمن، سونامی و غیره) یا در زمان جنگ (بمباران، تبعید و غیره) در این موارد قانون مدنی فرانسه قبل از اصلاحات ۲۰۰۱ تلاش کرده بود، امارات و معیارهایی برای تعیین تقدم و تاخر فوت، مقرر نماید. (مواد ۷۲۱ تا ۷۲۵ قانون مدنی فرانسه) در حقیقت، در چنین مواردی، ابتدا سعی می‌شود بر اساس شواهد و شرایط حادثه ترتیب فوت مشخص شود. اگر این شواهد کافی نباشند، فرض بر این است که فرد جوان‌تر یا مرد (در صورت تساوی سن) زنده‌مانده است. قانون مدنی فرانسه، دو معیار برای تعیین تقدم و تاخر بیان کرده بود:

معیار اول: معیار سن است :

مطابق ماده ۷۲۱ قانون مدنی پیشین، سه معیار سنی مشخص شده بود:

۱. اگر افرادی که با هم فوت کرده‌اند کمتر از ۱۵ سال سن داشتند، فرد مسن‌تر فرض می‌شد که زنده مانده است.

۲. اگر همه بیش از ۶۰ سال سن داشتند، فرد جوان‌تر فرض می‌شد که زنده مانده است.

۳. اگر برخی کمتر از ۱۵ سال و برخی بیش از ۶۰ سال سن داشتند، افراد جوان‌تر فرض می‌شدند که زنده مانده‌اند.»

معیار دوم: معیار جنسیت است:

ماده ۷۲۲ قانون مدنی، معیار جنسیت، را مقرر کرده بود. مطابق این ماده:

۱. اگر افرادی که با هم فوت کرده‌اند بین ۱۵ تا ۶۰ سال سن داشتند، مرد همیشه فرض می‌شد که زنده مانده است، به

شرطی که سن آنها برابر یا تفاوت سنی کمتر از یک سال باشد.

۲. اگر آنها هم‌جنس بودند، فرد جوان‌تر فرض می‌شد که زنده مانده است.»

بنابر این، اگر افراد بین ۱۵ تا ۶۰ سال سن داشته باشند و سن آنها مساوی یا تفاوت سنی کمتر از یک سال باشد، مرد

فرض می‌شود که زنده مانده است. اگر افراد هم‌جنس باشند، فرد جوان‌تر فرض می‌شود که زنده مانده است.

این سیستم به دلیل اینکه بر اساس فرضیات مصنوعی و ناقص بود، مورد انتقاد شدید قرار گرفت. به عنوان مثال، اگر

یک مرد و یک زن با سن یکسان در یک رویداد مشترک فوت می‌کردند، مرد فرض می‌شد که زنده مانده است.

(Auré lien Bamdé, 2021,1)

قضات سعی کردند با تفسیر محدودکننده قوانین، اثرات این فرضیات را کاهش دهند، اما همچنان مجبور بودند در

مواردی که شرایط لازم وجود داشت، از آنها استفاده کنند. با توجه به این موضوع، قانون‌گذار در قانون ۳ دسامبر

۲۰۰۱ تصمیم گرفت این فرضیات را لغو کند و سیستم ساده‌تری را ایجاد کند که از هرگونه تبعیض جنسیتی خالی

باشد (Auré lien Bamdé, 2021,1).

۱-۱- رویکرد نوین قانون مدنی فرانسه

در حقوق پیشین، قضات شرط اعمال فرضیات بقا را وجود رابطه وراثتی متقابل بین "کوموران" می‌دانستند. با این

حال، قانون شماره ۲۰۰۱-۱۱۳۵ مورخ ۳ دسامبر ۲۰۰۱ این شرط را حذف کرد

ماده ۷۲۵ قانون مدنی اکنون پیش‌بینی می‌کند که قانون "کوموران"^۲ در مواردی اعمال می‌شود که "دو نفر، که یکی از

آنها وارث دیگری بوده است، در یک رویداد مشترک فوت کنند". بنابراین، دیگر لازم نیست که "کوموران" وارث

یکدیگر باشند. با این حال، این رابطه وراثتی باید قانونی باشد، به این معنی که نظریه "کوموران" در موارد زیر اعمال

نمی‌شود:

- افرادی که از طریق وصیت وارث می‌شوند.

- افرادی که ذینفع بیمه عمر هستند.

^۲. منظور از «کوموران»، توارث در مرگ های زمان است.

سیستم ایجاد شده توسط قانون ۳ دسامبر ۲۰۰۱، که از برخی قوانین خارجی الهام گرفته شده است، بر دو قاعده اصلی استوار است که در ماده ۷۲۵-۱ قانون مدنی بیان شده است. قاعده دوم نیز دارای یک استثنا است.

قاعده اول: تلاش برای تعیین ترتیب فوت

ماده ۷۲۵-۱، بند اول قانون مدنی، پیش‌بینی می‌کند که "هنگامی که دو نفر، که یکی از آنها وارث دیگری بوده است، در یک رویداد مشترک فوت کنند، ترتیب فوت با استفاده از هر روشی تعیین می‌شود".

این بدان معناست که در ابتدا باید تلاش شود تا ترتیب فوت "کوموران" مشخص شود.

قانون‌گذار از وراثت، سردفتران اسناد رسمی و در صورت لزوم قضات دعوت می‌کند تا با استفاده از هر روشی، ترتیب فوت را مشخص کنند. برای این کار می‌توان از شواهد مختلف مانند گواهی‌های پزشکی، گزارش‌های پلیس، تحقیقات محلی یا شهادت‌ها استفاده کرد (Aurélien Bamde, 2021, 1).

اگر ترتیب فوت مشخص شود، هر "کوموران" که زودتر فوت کرده است، وارث دیگری محسوب می‌شود و تقسیم میراث به طور عادی انجام می‌شود البته بار اثبات بر عهده کسی است که ادعا می‌کند فردی که وارث او بوده است، زنده مانده است.

قاعده دوم: صرف نظر از رابطه وراثتی "طرفین"

بند دوم ماده ۷۲۵-۱ قانون مدنی پیش‌بینی می‌کند که اگر ترتیب فوت "کوموران" مشخص نشود، "میراث هر یک از آنها به طور جداگانه تقسیم می‌شود، بدون اینکه دیگری در آن مشارکت داشته باشد".

این بدان معناست که اگر نتوان ترتیب فوت را مشخص کرد، فرض می‌شود که "کوموران" به طور هم‌زمان فوت کرده‌اند. قانون‌گذار نتیجه گرفته است که باید "کوموران" را از توانایی ارث‌بری از یکدیگر محروم کرد. بنابراین، در این فرض، افرادی که در یک حادثه فوت شده‌اند، از هم ارث نخواهند برد.

این راه حل کاملاً برخلاف سیستم پیشین بود که بر اساس فرضیات مصنوعی ترتیب فوت را تعیین می‌کرد.

البته قانون مدنی فرانسه، استثنایی نیز مقرر کرده است. در حقیقت، به عنوان استثنا، بند سوم ماده ۷۲۵-۱ قانون مدنی پیش‌بینی می‌کند که "اگر یکی از "کوموران‌ها" فرزندان داشته باشد، آن فرزندان می‌توانند جایگاه والد خود را در میراث دیگری نمایندگی کنند، در صورتی که نمایندگی مجاز باشد".

۲-۱ وضعیت توارث مرگ‌های هم‌زمان در حقوق ایران

مطابق ماده ۸۷۳ قانون مدنی ایران: «اگر تاریخ فوت اشخاصی که از یکدیگر ارث می‌برند مجهول و تقدم و تاخر هیچ‌یک معلوم نباشد اشخاص مزبور از یکدیگر ارث نمی‌برند مگر آنکه موت به سبب غرق یا هدم واقع شود که در این صورت از یکدیگر ارث می‌برند.»

علاوه بر این ماده ۱۰۲۴ قانون مدنی ایران نیز مقرر می‌دارد: «اگر اشخاص متعدد در يك حادثه تلف شوند، فرض بر این می‌شود که همه آنها در آن واحد مرده‌اند. مفاد این ماده مانع از اجراء مقررات مواد ۸۷۳ و ۸۷۴ جلد اول این قانون نخواهد بود.»

قانون مدنی ایران بین دو صورت تفکیک کرده است (یزدانی، ۱۳۹۷، ص ۵۲)

صورت اول جایی است که تاریخ وفات دو نفر مجهول باشد، در این صورت، علی‌الاصول از هم ارث نمی‌برند اعم از اینکه دو نفر در یک حادثه وفات یافته باشند و یا وفات در یک حادثه نباشد؛ مگر در دو صورت :

۱- علت وفات هدم باشد.

۲- علت وفات، غرق شدن باشد.

عدم توارث در نتیجه تعارض اجرا اصل تاخر حادث دربار هر یک از درگذشتگان است که تحقق شرط ارث (زنده بودن در زمان مرگ مورث) را غیرممکن می‌سازد. (امامی، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۱۷۰)

ماده ۱۰۲۴ قانون مدنی در خصوص کسانی که در یک حادثه وفات می‌یابند مقرر می‌دارد: «اگر اشخاص متعدد در يك حادثه تلف شوند، فرض بر این می‌شود که همه آنها در آن واحد مرده‌اند. مفاد این ماده مانع از اجراء مقررات مواد ۸۷۳ و ۸۷۴ جلد اول این قانون نخواهد بود.»

ماده ۸۷۳ قانون مدنی نیز در خصوص کسانی که در یک حادثه فوت نکرده‌اند ولی تاریخ وفات هر دو مجهول است، مقرر می‌دارد که اصل این است که این افراد از هم ارث نمی‌برند مگر اینکه سبب وفات ایشان، غرق شدن یا هدم باشد.

صورت دوم ناظر به جایی است که تاریخ وفات یک نفر معلوم و دیگری مجهول باشد. در این صورت ماده ۸۷۴ قانون مدنی مقرر می کند آنکه تاریخ وفاتش، مجهول است از دیگری ارث می برد.

به هر حال، در حقوق ایران، نسبت به اینکه آیا استثنا اختصاص به مورد هدم و غرق داشته یا می توان به موارد مشابه تعمیم داد، به نظر اختلاف وجود دارد (لنگرودی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۱۴۱) برخی استثنا را مختص به موارد غرق و هدم دانسته و گروهی آن را تعمیم به موارد مشابه می دهند. (یزدانی، ۱۳۹۷، ص ۵۲؛ کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۵۳۹) اداره حقوقی قوه قضائیه در موارد زیادی حکم توارث را به مصادیق دیگر (غیر از غرق شدن یا زیر آوار ماندن) تعمیم داده است. از جمله اینکه مقرر کرده است: «هدم ... عبارت از خرابی و نابودی محل و مکان خاصی می باشد. حادثه زلزله که موجب تخریب و نابودی مسکن و منزل افراد است از مصادیق بارز هدم می باشد.» (نظریه مشورتی شماره ۷/۶۶؛ ۱۳۷۱) همچنین «انهدام به وسیله نقلیه (مانند اتومبیل، ترن، هواپیما و ... یا به علت انفجار، اصابت بمب، موشک و نظایر آن) از مصادیق هدم مشمول ماده ۸۷۳ قانونی مدنی است.» (نظریه مشورتی ش ۷/۳۲۷۵؛ ۱۳۷۷) نیز «انهدام به علت سقوط هواپیما می تواند از مصادیق هدم شمرده شود.» (نظریه مشورتی ش ۷/۵۲۳۱؛ ۱۳۸۸)

مثلاً پدر و پسر، به خاطر زیر آوار ماندن وفات یافته اند. در این صورت، پدر از اموال پسر و پسر از اموال، پدر ارث خواهد برد. به این معنا که سهم الارثی که پدر در فرض زنده بودن، از اموال پسر می برد، به وراثت پدر داده می شود و سهم الارثی که پسر در فرض زنده بودن، از اموال پدر می برد به وراثت پسر می رسد. مثلاً فرض کنید خانواده ای چهار نفری وجود دارد. پدر، دو پسر و مادر. «چنانچه پدر و پسر بر اثر زلزله و رفتن زیر آوار فوت نموده و زوجه دایم و یک پسر دیگر باقی مانده اند، زوجه از اصل ماترک زوج به علاوه سهم الارث او از فرزندش ارث می برد.» (نظریه مشورتی ش ۷/۴۷۱۸؛ ۱۳۶۰)

۲. توارث در مرگ های مجهول الزمان از نگاه فقهای امامیه

پیش از ورود به بحث اصلی، لازم است اشاره شود که در رابطه با حکم توارث در موارد مرگ با زمان نامشخص، سه دیدگاه: تعمیم، عدم تعمیم، و توقف وجود دارد. گروهی که دچار تردید شده اند به دلیل نیافتن دلایل مستحکم و قابل اعتماد، توقف کرده و نظری در این زمینه اظهار نکرده اند. (حائری، ۱۴۱۸، ج ۱۴،

ص ۴۶۶) (حلی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۷۵)^۳ (حائری، ۱۴۱۸، ج ۱۴، ص ۴۶۶)^۴ (حلی، ۱۴۱۱، ص ۱۷۸)^۵. در ادامه، به توضیح دیدگاه‌های تعمیم و عدم تعمیم و تحلیل و ارزیابی دلایل هر یک پرداخته خواهد شد:

۱.۲ دیدگاه اول: انحصار توارث در فرض هدم و غرق

طبق دیدگاه مشهورتر بین فقها، توارث در مرگ‌های مجهول الزمان، صرفاً در فرض هدم و غرق پذیرفته است و امکان تسری از این دو عنوان به عناوین دیگر نیست. (عاملی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۱۳) اصطلاحاً **استثنای** مذکور باید تفسیر مضیق گردد و به دو مورد بسنده نمود. مستند ایشان، روایاتی است که به عنوان ادله خاص در این باب وارد شده است. (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۶، ص ۳۰۸) (اصفهانی، ۱۴۱۶، ج ۹، ص ۵۲۴)

ادله دیدگاه اول:

مهم‌ترین مستند فقهای مخالف تعمیم، روایات است. این روایات، بر سه دسته هستند.

دلیل اول: مقتضای اخبار خاصه

اخبار باب توارث مهم‌ترین مستندی است که مدعیان انحصار توارث در فرض هدم و غرق بیان می‌دارند.

۱) روایت دالّ بر اشتراط احراز حیات وارث

به مقتضای عمومیت و اطلاق یکی از اخباری که در باب توارث موجود است، احراز حیات وارث شرط تعلق ارث است در نتیجه به دلیل عدم وجود شرط ذکر شده در مرگ‌های مجهول الزمان، حکم به عدم توارث می‌شود. در حدیث قداح از امام صادق (علیه السلام) آمده است:

^۳ و في ثبوت هذا الحكم بغير سبب الغرق و الهدم تردد.

^۴ في ثبوت هذا الحكم يعني التوارث بين الأموات المشتبهين في الموت بحسب السبق و التقارن مع اجتماع ما مرّ من الشرائط فيما إذا كان الموت بغير سبب الغرق و الهدم من باقي الأسباب كالقتل و الحرق تردّد

^۵ في ثبوت الحكم بغير الغرق و الهدم اشكال.

«ام‌کلثوم، دختر علی علیه‌السلام و پسرش زید بن عمر بن خطاب در یک‌زمان مردند و دانسته نشد که کدام‌یک زودتر مرده است و هیچ‌یک از دیگری ارث نبردند»^۶ (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۶، ص ۳۱۴ و طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۳۶۲)

خبر مذکور مورد استناد بعضی از فقها در رابطه با حکم به عدم توارث در مرگ‌های مجهول‌الزمان قرار گرفته است.^۷ (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۹، ص ۳۰۷)

۲) روایات دال بر تخصیص اخبار مذکور به فرض هدم و غرق

در کنار خبر پیشین که به‌صورت مطلق، حیات وارث را شرط تعلق ارث می‌دانست، اخباری نیز حکم توارث در مرگ‌های مجهول‌الزمان را صرفاً به دو فرض هدم و غرق، تخصیص زده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

حدیث اول:

حدیث ابن محبوب از امام صادق علیه‌السلام؛ در این حدیث درباره قومی سؤال می‌شود که در کشتی غرق می‌شوند، یا سقف اتاق بر ایشان فروود می‌آید و می‌میرند و نمی‌توان دانست که کدام‌یک پیش از دیگری مرده است. امام می‌فرمایند:

«ایشان از یکدیگر ارث می‌برند و این موضوع در کتاب علی علیه‌السلام نیز چنین است.» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۶، ص ۳۰۷)

حدیث دوم:

علی بن مهزیار، از فضاله، از أبان، از فضل بن عبدالملک روایت کرده است که امام صادق علیه‌السلام درباره زن و شوهری که سقف اتاقی بر ایشان فروود آمده بود فرمود:

«نخست زن را از مرد و پس از آن مرد را از زن ارث می‌دهند.» (قمی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۲۰۷)

حدیث سوم:

خبر عبد الرحمن از امام صادق علیه‌السلام؛ که می‌گوید:

^۶: «ماتت أم کلثوم بنت علی (علیه‌السلام) و ابن‌ها زید بن عمر بن الخطاب فی ساعة واحدة لا یدری أیهما هلك قبل فلم یورث أحدهما من الآخر و صلی علیهما جمیعاً».
^۷ و کذا لو کان الموت لا عن سبب بل کان حتف الأنف و هو الشرط الرابع بلا خلاف محقق أجده فیه، بل حکى غیر واحد الاتفاق علیہ، مضافاً إلى خبر القداح

« از آن حضرت درباره اتافی سؤال کردم که بر گروهی که گردآمده‌اند فرود آید و معلوم نشد که کدام یک از ایشان پیش از رفیق خود مرده است، امام فرمود ایشان از یکدیگر ارث می‌برند، گفتم: أبو حنیفه چیزی را به این بحث داخل کرده است. فرمود: چه چیز را به این بحث داخل کرده است؟ گفتم: او گفته است: اگر دو مرد در کشتی نشسته باشند که یکی از آن دو، صد هزار سکه با خود داشته و آن دیگر چیزی نداشته، هر دو غرق شده‌اند و معلوم نشده است که نخست کدام یک از آن دو مرده است، میراث برای ورثه مسافری است که چیزی نداشته است و برای ورثه مسافر صاحب مال، نصیبی از آن مال نیست، امام صادق علیه السلام فرمود: به حقیقت آن را شنیده است و مطلب همان است...» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۶، ص ۳۰۷)

بر اساس این روایات، مشخص می‌شود که تعلق ارث بستگی به تأیید حیات وارث دارد و در حالت‌هایی که زمان مرگ طرفین نامعلوم است، رابطه توارث برقرار نمی‌شود، مگر در دو حالت استثنایی هدم و غرق. این دو مورد به عنوان تنها استثنائات در این زمینه ذکر شده‌اند. در چنین مواردی، تا زمانی که دلیلی مستحکم برای الغاء خصوصیت و امکان تعمیم وجود ندارد. بنابراین، اصل بر عدم تعمیم است، مگر آنکه دلایل کافی و مستندی از لسان ادله برای تعمیم پیدا شود. مخالفان تعمیم معتقدند که گسترش این احکام به تنها فاقد پشتوانه است، بلکه دلایل مخالف نیز در این زمینه وجود دارد.

۳) روایات دال بر عدم توارث در مرگ‌های مجهول الزمان غیر هدم و غرق

یکی از دلایلی که فقها برای عدم تعمیم حکم توارث به موارد مشابه مطرح می‌کنند، به یک روایت مرسل بازمی‌گردد که نخستین بار در کتاب «ایضاح الفوائد» علامه ذکر شده و پیش از آن در متون روایی موجود نبوده است. این روایت اشاره می‌کند که کشته‌شدگان جنگ‌های یمامه، صفین، و حره از یکدیگر ارث نمی‌برند و اموال آنها میان وراثت زنده تقسیم می‌شد...^۸ (حلی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۷۷)

صاحب ریاض در رابطه با این روایت چنین بیان می‌دارد که:

«این روایت، حجت قوی برای نظر مشهور و ردی بر ادله قائلین به تعمیم است.» (حائری،

۱۴۱۸، ج ۱۴، ص ۴۶۷)

ارزیابی دلیل اول

^۸ «قد رویان قتلی الیمامة و قتلی الصفین و الحرّة لم یورثوا بعضهم من بعض بل ورثوا الاحیاء»

روایات مرتبط با حکم توارث به سه دسته تقسیم می‌شوند. دو دسته اول دلالت ایجابی داشته و دلالت سلبی ندارند و تنها اثبات می‌کنند، توارث در فرض هدم و غرق که زمان وفات افراد در آن نامعلوم باشد، برقرار است. تنها روایتی که به صورت سلبی دلالت بر عدم امکان توارث در شرایط مشابه غیر غرق و هدم دارد، اخبار مربوط به جنگ‌های یمامه و صفین است که نیاز به بررسی دقیق دارد.

این روایت به دلیل ضعف سند و مجهول بودن منبع، فاقد اعتبار لازم برای استناد است و در هیچ‌یک از کتب معتبر روایی شیعه ذکر نشده است. فقها نیز به ضعف سندی این حدیث اذعان کرده‌اند (عاملی، هق، ج ۸، ص ۲۶۳). برخی فقها با آگاهی از این نقص، به دلیل شهرت عملی به روایت استناد کرده‌اند، طبق قاعده‌ای که ضعف سند را با شهرت عملی جبران می‌کند (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۱۴۲). صاحب ریاض نیز بیان می‌کند که اگر روایت مرسل مستند فتوای جمعی از فقها باشد، شهرت عملی می‌تواند ضعف آن را جبران کند (حائری، ۱۴۱۸، ج ۱۴، ص ۴۶۷). با این حال، تمسک به چنین قاعده‌ای برای چشم‌پوشی از ضعف سندی مناسب نیست، زیرا ثابت نشده که این روایت مرسل، بنیان فتوای فقها باشد. بسیاری از فقها، فتوای خود را بر اساس «تفسیر محدود از ادله تخصیص»، «پرهیز از قیاس» و «اکتفا به قدر متیقن در حکم خلاف قاعده» صادر کرده‌اند (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۳۸۷). جبران ضعف سندی با شهرت در صورتی معتبر است که مستند بودن روایت به طور قطع مشخص باشد، که در این مورد چنین نیست (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۱۴۲).

از دیگر مشکلات اساسی در استناد به روایت فوق الذکر، عدم سازگاری کامل آن با ادعاست. قائلین به عدم تعمیم معتقدند که تنها در موارد هدم و غرق می‌توان حکم به توارث داد، اما خبر مورد بحث، تنها درباره عدم توارث افرادی که در جنگ کشته شده‌اند، صحبت می‌کند. بنابراین، اگر موضوعیت الفاظ هدم و غرق در ادله خاصه پذیرفته می‌شود، باید همین دیدگاه در مورد مرگ در جنگ نیز به کار گرفته شود، همان‌طور که در کتاب «ایضاح الفوائد» آمده است. (حلی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۷۷)

همچنین، در مورد جنگ‌های صفین و خوارج، مشخص نیست که همه شرایط لازم برای توارث فراهم بوده باشد؛ احتمال دارد که عدم توارث به دلیلی جز نامشخص بودن زمان وفات افراد رخ داده باشد. برخی فقها بر این باورند که ممکن است میان این افراد اصلاً رابطه توارثی وجود نداشته یا شرط عدم علم به زمان وفات آنان موجود نباشد. (روحانی، ۱۴۱۲، ج ۲۴، ص ۴۹۹)

علاوه بر این، باید توجه داشت که جنگ‌های یمامه و حره زمانی رخ داده‌اند که امور تحت نظارت امام معصوم نبوده، لذا عملکرد گزارش شده نمی‌تواند به عنوان عمل مشروع تلقی شود. آیت‌الله سبحانی نیز بیان می‌کند که بر اساس قواعد آن زمان، افراد وفات یافته در جنگ از یکدیگر ارث نمی‌بردند و بیشتر کشته‌شدگان از سپاه معاویه بودند و در سپاه امام علی (ع)، شرایط توارث متقابل به دلیل مشخص نبودن تقدم و تأخر وفات، روشن نیستند (تبریزی، ۱۴۱۵، ص ۳۹۴).

دلیل دوم: اکتفا به قدر متیقن در موارد خلاف قاعده

حکم توارث در مواردی که زمان مرگ مشخص نیست، با اصول اولیه ارث متناقض است، زیرا یکی از شروط ارث، تأیید حیات وارث در زمان وفات مورث می‌باشد (قمی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۰۵؛ بهبهانی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۲۸۴). برای موارد هدم و غرق، دلیل خاصی به توارث اشاره دارد. در چنین مواردی، باید به حد متیقن آنچه در روایات ذکر شده، اکتفا کرده و فراتر از نصوص شرعی نرویم.

به عبارت دیگر، در مواقعی که در امکان توارث در سایر حوادث تردید وجود دارد، از آنجا که توارث برخلاف اصل و قواعد اولیه ارث است، باید به مقدار متیقنی که در روایات تعیین شده، پایبند بود و نصوص ویژه را به طور محدود تفسیر کرد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۹، ص ۳۰۸).

ارزیابی دلیل دوم

اتکای صرف به قدر متیقن و عدم الغاء خصوصیت از عنوان‌های مذکور در دلایل، با چالش‌هایی مواجه است که بر اساس تبیین دیدگاه دوم و دیدگاه مختار به آنها پرداخته میشود. محقق سبزواری در این رابطه بیان می‌کند: «هرچند قاعده اکتفا به قدر متیقن به ذات خود صحیح است، اما شواهد عرفی مانع از اجرای این قاعده در موضوع بحث می‌شوند» (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۳۰، ص ۲۶۹)^۹.

دلیل سوم: شهرت فتوائیه

^۹ دعوی: أن قاعدة: «الاقتصار على المتيقن فيما خالف الأصل» تقتضي الحكم فيهما لا في غيرهما من الأسباب التي توجب الاشتباه. غير صحيحة: فإن القاعدة وإن كانت في نفسها صحيحة، لكن لا تجري في المقام، لما تقدم من الأصل و شهادة العرفه فالمدار على مطلق الاشتباه بلا دخل في السبب الخارجي في مقابل العلم بالاقتران و الموت حتف الأنف و ما ورد في النصوص من باب ذكر بعض المصاديق لمطلق السبب

استناد به نظر مشهور از دیگر دلایلی که فقها برای عدم تعمیم ارائه می دهند (حائری، ۱۴۱۸، ج ۱۴، ص ۴۶۷). صاحب کتاب ریاض، با وجود ارائه دلایل متعدد در حمایت از تعمیم توارث به سایر مرگ های مجهول الزمان، در نهایت تعمیم تردید کرده و دلیل این تردید را شهرت قول عدم توارث بیان می دارد (همان).

ارزیابی دلیل سوم

دلیل سوم از مهم ترین استدلال های مخالفان تعمیم حکم توارث است، اما به نظر می رسد با نقدهایی مواجه باشد. زیرا ادعای تعمیم، برخلاف نظر مشهور نیست؛ بلکه دیدگاهی است که در میان دیدگاه های مشهورتر قرار دارد. تعداد زیادی از فقهای متقدم و متأخر از دیدگاه تعمیم حمایت می کنند؛ بنابراین، مسئله بر سر دو دیدگاه مشهورتر و مشهور است و نه مشهور و غیر مشهور.

علاوه بر این، باید توجه داشت که شهرت موجود در این زمینه مدرکی است، و همانطور که اجماع مدرکی، فاعقد اعتبار است (خوش نقش و ادیبی فر، ۱۴۰۰: ۱۴۴؛ یزدانی، ۱۴۰۳: ۴۴۷)، شهرت مدرکی نیز فاقد اعتبار اصولی می باشد (صدر، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۲۸۴). بنابراین، استناد به نظر مشهور در این زمینه با اصول فقهی مطابقت ندارد، چرا که شهرت زمانی به عنوان یک دلیل مستقل معتبر است که مدرک حکم مشخص نباشد. در این مورد، اخباری دال بر عدم تعمیم وجود دارد که اگر به طور قطعی شهرت مذکور را مدرکی نسازد، حداقل احتمال مدرکی بودن آن را ایجاد می کند، که این نیز از اعتبار فاقد است (بهجت، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۲۴). بنابراین، چنین شهرتی نمی تواند به عنوان مستند مستقلی برای این دلیل مورد استفاده قرار گیرد.

دلیل چهارم: قیاس

دلیل دیگری که در رد امکان تعمیم حکم توارث به سایر موارد مشابه از قبیل تصادفات جاده ای و... مطرح می شود قیاس دانستن این تسری است. عده ای از فقها معتقدند از آنجا که علت حکم توارث در مرگ های مجهول الزمان ناشی از غرق و هدم در روایات تصریح نشده و تنقیح مناطی که محل اتفاق باشد وجود ندارد استنباط دلیل توارث در مرگ های مجهول الزمان ناشی از هدم و غرق و تسری آن به موارد مشابه، قیاسی مستتبط العله است که نزد فقهای امامیه فاقد حجیت است. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۰۸)

در نقد دلیل کنونی می توان گفت همان طور که در متن دلیل مستدل آمد و تصریحات اصولیان بر آن دلالت دارد، سرایت حکم از یک موضوع به موضوع دیگر زمانی قیاس نامیده می شود که نه پای علت مصرحی در لسان دلیل باشد و نه اینکه تنقیح مناط، ممکن باشد. این ها مفروض هایی است که قیاس دانستن تسری، درگرو احراز آنهاست.

حال آنکه در بخش های بعدی این نوشتار، با بررسی مقتضیات لفظی اخبار این باب، بطلان تمام این مفروض ها از وجوه متعدد آشکار خواهد شد.

۲-۲ دیدگاه دوم: تسری حکم توارث به سایر مرگ های مجهول الزمان

در مقابل دیدگاه مشهور، دیدگاهی دیگر وجود دارد که قائل به تفسیر موسع از روایات است و هدم و غرق ذکر شده در روایات، را دارای موضوعیت ندانسته و الغاء خصوصیت به موارد مشابه را ممکن می داند. مقدمینی همچون سلار (دیلمی، ۱۴۰۴، ص ۲۲۵ تا ۲۲۶) (اسکافی، ۱۴۱۶، ص ۳۳۹) و ابن جنید به نقل از حلی^{۱۰} (حلی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۳۱) از موافقان این دیدگاه می باشند همچنین فقهای دیگری نظیر:

(عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۶، ص ۳۰۸)، (حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۳۰۱)^{۱۱} (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۶۷۴) (خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۸۱) (حلی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۳۱) (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۳۰، ص ۲۶۸ تا ۲۷۱) (حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۰۰) (بغدادی، ۱۴۱۳، ص ۶۹۹) (طوسی، ۱۴۲۶، ص ۹۷) (خمینی، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۷۵) (تبریزی، ۱۴۱۵، ص ۳۹۴) (خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۸۱)

بعضی از فقها حکم توارث را صرفاً در مرگ های مجهول الزمانی که سبب وفات، مرگ طبیعی نباشد، جاری می دانند. (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۳۰، ص ۲۶۸ تا ۲۷۱)

ادله دیدگاه دوم

قبلاً دانسته شد که طبق دیدگاه مشهورتر بین فقها، اقوی از میان دو دیدگاه تعمیم و عدم تعمیم، دیدگاه عدم تعمیم است (سبحانی، ۱۴۱۵، ص ۳۹۴) در ادامه به ارائه دلیل موافقان تعمیم و ارزیابی آن خواهیم پرداخت.

امکان الغاء خصوصیت و تنقیح مناط

نظریه تعمیم در زمینه حقوق اسلامی به گسترش احکام خاص به موارد مشابه می پردازد. حامیان این نظریه بر این باورند که «مطلق اشتباه، به عنوان مناط از روایاتی که در این باب آمده است به دست می آید و این علت در سایر

^{۱۰} نص ابن حمزة و التقی علی التوارث کالغرق و هو ظاهر الشیخ فی النهایة و أبی علی

^{۱۱} متى ماتا حتف أنفهما فی وقت واحد، لم یورث بعضهم من بعض، لان ذلك انما یجوز فی الموضع الذی یشبه الحال فیه، فیجوز تقدیم موت أحدهما علی صاحبه.

حوادث نیز جریان دارد پس باید حکم توارث به سایر موارد مشابه نیز تعمیم داده شود همچنان که وقتی خوف استعمال آب سبب تیمم است دیگر فرقی ندارد این خوف حقیقی و عقلانی، بابت بیماری باشد یا خطر حمله حیوان درنده و یا... در هر صورت فرد می تواند به جای استفاده از آب تیمم کند» (سبزواری، ۱۴۱۳، ص ۲۶۹)

تعمیم حکم به موارد دیگر نیازمند تکیه به قرینه هایی معتبر است و صرف ادعای تعمیم بدون قرینه، دلیلی بی پایه است؛ برای الغاء خصوصیت و عدم موضوعیت خاص هدم و غرق موافقان نظریه تعمیم به دو نوع دلیل اشاره می کنند: یکی لفظی و درون متنی و دیگری لبی و برون متنی.

نخستین قرینه، کیفیت فهم راوی از روایت عبدالرحمن از امام صادق (ع) است. (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۶، ص ۳۰۷) در این روایت، راوی به اشتراک در علت میان موارد مختلف پی برده و مشابهت آنها را درک کرده است، بی آنکه امام به این فهم اعتراضی کرده باشد. این نشان می دهد که این قرینه می تواند تأییدی بر امکان الغاء خصوصیت باشد (روحانی، ۱۴۱۲، ج ۲۴، ص ۴۹۸). با این حال، برخی به این قرینه انتقاد دارند و فرض می کنند ممکن است راوی قبلاً از حکم غرق آگاه بوده و صرفاً به دلیل این آگاهی، به آن اشاره کرده است، که در این صورت نمی توان این را نشانه تعمیم دانست (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۹، ص ۴۶۴).

دومین قرینه به شهادت عرف یا متفاهم عرفی برمی گردد که قرینه ای برون متنی است. عرف دلیل خاصی در غرق و هدم نمی بیند و فقط عدم وضوح زمان فوت را علت اصلی حکم توارث می داند. به دیگر بیان «از آنجاکه غرق و هدم، از حوادثی است که معمولاً زمان وفات افراد در آن ها مشخص نیست پس عرف بر الغاء خصوصیت به مجرد فوت متوارثینی که تقدم و تأخر و تقارن زمان مرگشان را ندانیم یا اینکه بدانیم یک نفر متقدم بوده اما ندانیم کدام یک متقدم بوده است ما را مساعدت می کند»^{۱۲} (سبحانی، ۱۴۱۵، ص ۳۹۳) بنابراین، از دیدگاه فهم عرفی از لسان ادله، نامشخص بودن زمان مرگ افراد دلیل حکم توارث است، بدون آنکه حوادثی مانند هدم و غرق تأثیری بر این حکم داشته باشند.

3 دیدگاه مختار

^{۱۲} بما أنّ الغرق و الهدم، يعدّان من أسباب الموت، فالعرف يساعد على إلغاء الخصوصية و الاكتفاء بمجرد موت المتوارثين من دون علم بالتقدم و التأخر و التقارن أو مع العلم بالتقدم و لم يعرف متقدم

دریافته شد که دیدگاه رایج تر در میان فقها و به تبع آن قانون مدنی، بر انحصار حکم توارث به هدم و غرق تأکید دارد. بر این اساس، در شرایطی که زمان مرگ نامشخص است، حکم توارث صرفاً در مواردی مانند هدم و غرق اعمال می‌شود و به شرایط مشابه مانند تصادفات جاده‌ای یا آتش‌سوزی‌ها قابل تعمیم نیست. با این حال، در نقد دیدگاه عدم تعمیم، چندین اشکال مطرح شده است. با توجه به این اشکالات و استحکام دلایل حامیان تعمیم، این دیدگاه تقویت می‌شود. طرفداران تعمیم به دو قرینه برای اثبات امکان الغاء خصوصیت و تعمیم اشاره کرده‌اند. علاوه بر دلایل ارائه شده توسط فقها برای اثبات تعمیم، دو دلیل مهم دیگر نیز بر امکان و حتی لزوم تعمیم حکم توارث وجود دارد که در ادامه به تفصیل بررسی خواهد شد.

دلیل اول: دلالت معنای لفظ «ف» و مابعد آن:

در تحلیل حدیث نقل شده توسط عبدالرحمن بن حجاج از امام صادق (ع)، مشاهده می‌شود که راوی دو فرض مجزا را مطرح کرده است که هر یک با تکیه بر مقتضیات لفظی، قابلیت تنقیح مناط را دارند. این طراحی سوال به نحوی است که نمودی از متن منصوب العله بوده و پاسخ امام نیز که ناظر به فرض موجود در مقام پرسش است می‌باید منصوب العله تلقی گردد تا شرایط معینی را برای وضعیت‌های مشابه تعریف کند.

راوی، راوی نخستین فرض را با عبارتی آغاز می‌کند که می‌گوید: «سألته عن بیت وقع علی قوم مجتمعين فلا یدری أیهم مات قبل فقال: یورث بعضهم من بعض». اینجا، خانه‌ای که بر سر گروهی فرو ریخته است، مطرح است. سپس راوی با استفاده از فاء تفریع، موضوعی را از جانبی دیگر بر پرسش قبلی متفرع می‌سازد «فلا یدری أیهم مات قبل» موضوعی که محور اصلی سوال را تشکیل می‌دهد، (یعنی فرو ریختن آوار، منجر به مجهول شدن تقدم و تأخر موت شده است) و امام در پاسخ، حکم توارث را بیان می‌دارند.

در فرض دوم، راوی بیان می‌کند: «رکبا فی السفینة فغرقا فلم یدر أیهما مات أولاً» (عاملی ۱۴۰۹، ج ۲۶، ص ۳۰۷). بررسی این بخش نیز نشان می‌دهد که محور بحث، روشن نبودن تقدم و تأخر مرگ‌هاست که نقش مناط و علت ترتب حکم را ایفاء می‌کند. بنابراین، خود غرق شدن علت اصلی نیست و موضوعیت ندارد؛ بلکه از آنجاکه منجر به مناط و علت مذکور می‌شود حکم توارث بر آن مترتب شده است. از این رو هر موضوع دیگری که به مشتبّه شدن زمان مرگ افراد منتهی بگردد موجب ترتب حکم توارث خواهد بود.

عباراتی مانند «فلا یدری ایهم مات قبل» و «فلم یدر ایهما مات أولا» به عنوان علت برای ما قبل عمل می کنند، نظر به قاعده معروف «العله تعمم و تخصص» علت حکم، دایره حکم را تعمیم و تخصیص می دهد (قمی، ۱۴۲۳، ص ۳۴).

در ادامه باید یادآور شد که برداشت علیت از ما بعد «ف» در اینجا همسان برداشت علیت از مابعد «ف» در حدیث شریف «إِلَّا فَإِنَّهُ عَلَى يَقِينٍ مِنْ وُضُوئِهِ» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۴۵) است که از احادیث معروف باب استصحاب است و طبق دیدگاه پذیرفته شده بین فقها و اصولیون، مابعد «ف» در این حدیث شریف نقش علت برای ماقبل را دارد (لنکرایی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۷۲).

به بطور خلاصه، واژه «غرق» در اینجا به عنوان طریق برای رسیدن به حکم عمل می کند و هر زمانی که عنوانی نقش طریقت داشته باشد، قابل جایگزینی خواهد بود. این باعث می شود که، القا خصوصیت بدون نیاز به رجوع به خارج از محتویات لفظی خبر، وبا بهره گیری از مناسبات لفظی موجود در حدیث تحقق پیدا کند و خصوصیت از واژه «غرق» برداشته شود و به یک استنتاج منطقی از حکم دست یافت. مناط حکم از عبارت هایی مانند «فلا یدری ایهم مات قبل» و «فلم یدر ایهما مات أولا» و دلالت معنایی «ف» گرفته می شود.

دلیل دوم: اطلاق و وسعت معنایی لفظ «هدم»

بحث های پیشین به تلاش بر تسری حکم توارث از مواردی مانند «غرق» و «هدم» به امور مشابه همچون «تصادفات رانندگی» و «سوانح آتش سوزی» متمرکز بود و فرض بر این بود که این موارد به صورت پیش فرض شامل عناوین اشاره شده در متن خبر نمی شوند. اما در این استدلال قصد داریم تا اثبات کنیم که واژه «هدم» به خودی خود شامل این موارد می شود.

اهل لغت، در مقام تبیین معنای لغوی هدم گفته اند: «هو أن ينهار عليه بناء، أو يقع في بئر أو أهوية» (جزری، ق، ج ۵، ص ۲۵۲) بررسی های لغوی نشان می دهد که «هدم» به معنای فرو ریختن یا افتادن در چاه و مشابهاات آن است. اساساً واژه «هدم» به لحاظ لغوی از شمولیتی برخوردار است که امثال تصادفات رانندگی از مصادیق آن شمرده می شوند. این مطلب با مراجعه به معنای لغوی «هدم» به وضوح آشکار می گردد.

اداره کل حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۱۷۱۵/۷/۱۴۰۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۵ در رابطه با گسترش مفهوم هدم بیان می دارد: با توجه به اینکه قانون مدنی تعریفی از هدم بیان نداشته است و منابع معتبر فقهی هدم را به انفجار و

انهدام تعبیر کرده‌اند از مصادیق هدم می‌تواند انفجار و یا انهدام وسایل نقلیه بر اثر حوادث باشد (wikihoghoogh.net)

بنابراین، تصادفات جاده‌ای و موارد مشابه، «موضوعات جدید» محسوب نمی‌شوند، بلکه از مصادیق موجود در تعریف «هدم» اند و همان‌گونه که مفهوم با عنوان تطابق می‌یابد، این موارد نیز ذیل واژه «هدم» قابل تعریف هستند. با توجه به وضوح مطلب به نظر می‌رسد دلیل عدم ذکر تصادف رانندگی به عنوان مصداقی برای هدم عدم وجود این موارد در زمان صدور روایات باشد. با این حال، نبود مصداق در دوره خاص مانع از شمول و اطلاق آن واژه نمی‌گردد. همان‌طور که فقها تصریح کرده‌اند، نصوص روایی عمدتاً در مقام بیان قضایای حقیقی هستند (نائینی، ۱۴۲۱، ص ۹۵) و هنگامی که مصادیق جدیدی ظهور می‌کنند، حکم مربوط به صورت خودبه‌خود در رابطه با آنها اجرا خواهد شد.

بنابراین، بر اساس مبانی مطرح شده، تصادفات جاده‌ای و موارد مشابه از نظر مفهوم، متفاوت از مصادیق «هدم» محسوب نمی‌شوند. این موارد، جزء مصادیق هدم هستند و همان‌طور که یک عنوان می‌تواند بر معنوی و مفهومی تطبیق یابد، واژه «هدم» نیز بر این مصادیق جدید انطباق دارد.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی حکم توارث در مرگ‌های مجهول‌الزمان در حقوق ایران و فرانسه نشان می‌دهد که رویکرد قانون مدنی ایران محافظه‌کارانه‌تر است و توارث را صرفاً در موارد غرق و هدم می‌پذیرد. حقوق فرانسه پس از اصلاحات سال ۲۰۰۱، رویکرد منعطف‌تری اتخاذ کرده است؛ ابتدا تلاش می‌شود ترتیب فوت با هر روش ممکن تعیین شود. در صورت عدم امکان تعیین ترتیب، میراث هر یک جداگانه تقسیم می‌شود.

در فقه امامیه، سه دیدگاه وجود دارد؛ انحصار توارث در فرض هدم و غرق (دیدگاه مشهور)، امکان تسری حکم به موارد مشابه و دیدگاه میانه.

در این پژوهش پس از بررسی توصیفی و تحلیلی دلایل ارائه‌شده از سوی موافقان و مخالفان تعمیم حکم توارث به سایر مرگ‌های مجهول‌الزمان به عدم انطباق دلایل مخالفان تعمیم دست‌یافتیم. در ادامه به مهم‌ترین بلکه تنها دلیل موافقان تعمیم حکم توارث اشاره کردیم. مهم‌ترین دلیل ایشان، الغاء خصوصیت بر پایه مناسبات صرفاً عرفی بود که

ضمن تأیید آن، به تقویت تسری بر پایه مناسبات لفظی موجود در اخبار و لسان ادله پرداختیم. مستفاد از احادیث این باب که ادله خاصه جهت اثبات حکم توارث در غرق و هدم شمرده می شوند آن است که در متن ادله، قرائن لفظی کافی جهت تنقیح مناط و کشف ملاک حکم جهت تسری حکم به موارد مشابه از قبیل تصادف رانندگی، انفجار، گازگرفتگی و ... وجود دارد. دلالت معنای لفظ «ف» و مابعد آن در متن حدیث، اطلاق و وسعت معنایی لفظ «هدم» دو دلیل مهم و کافی جهت کشف ملاک حکم است که به تفصیل مورد بررسی قرار گرفتند. با توجه به نتایج حاصله و اختلافات موجود در محاکم قضایی، پیشنهاد می شود قانون گذار به ماده ۸۷۳ ق.م. نگاهی اصلاحی داشته و رأی وحدت رویه ای در این رابطه صادر نمایند.

منابع

۱. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الأذهان، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۳ ه.ق.
۲. اصفهانی، فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۶ ه.ق.
۳. امامی، سید حسن، حقوق مدنی (امامی)، ۶ جلد، انتشارات اسلامی، تهران - ایران، ه.ق.
۴. بجنوردی، سید حسن بن آقابزرگ موسوی، القواعد الفقهية (للبجنوردی، السید حسن)، ۷ جلد، نشر الهادی، قم - ایران، اول، ۱۴۱۹ ه.ق.
۵. بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنعة (للشیخ المفید)، در یک جلد، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمة الله علیه، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳ ه.ق.
۶. بهبهانی، سید علی، الفوائد العلیّة - القواعد الکلیّة، ج ۱، ص ۷۵، اهواز، کتابخانه دار العلم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ق.
۷. بهجت، محمد تقی، مباحث الأصول - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۸ ش.ج ۳؛ ص ۲۲۴.
۸. تبریزی، جعفر سبحانی، نظام الإرث فی الشريعة الإسلامية الغراء، در یک جلد، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۵ ه.ق ۳۹۲.
۹. جزری، ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ۵ جلد، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم - ایران، اول، ه.ق.
۱۰. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام، ۱۱ جلد، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم - ایران، اول،

۱۴۲۳ هـ حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران، دوم، ۱۴۰۸ هـ.ق.

۱۱. حائری، سید علی بن محمد طباطبائی، ریاض المسائل (ط - الحدیثة)، ۱۶ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۸ هـ.ق ریاض المسائل (ط - الحدیثة)؛

۱۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ا.ر.ت. تهران: انتشارات اسلامی، ۱۴۰۱.

۱۳. حلی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف، إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد - ایران محقق/

مصصح: سید حسین موسوی کرمانی - علی پناه اشتهااردی - عبدالرحیم بروجردی، نوبت چاپ: اول مکان چاپ:

قم، تاریخ وفات مؤلف: ۷۷۱ هـ.ق ناشر: مؤسسه اسماعیلیان تاریخ نشر: ۱۳۸۷ هـ.ق حلی، محقق، نجم الدین، جعفر

بن حسن، المختصر النافع فی فقه الإمامیة، ۲ جلد، مؤسسة المطبوعات الدینیة، قم - ایران، ششم، ۱۴۱۸ هـ.ق

۱۴. حلی، جمال الدین، احمد بن محمد اسدی، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، ۵ جلد، دفتر انتشارات

اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۷ هـ.ق.

۱۵. حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۰ هـ.ق.

۱۶. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، ۳ جلد، دفتر انتشارات

اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳ هـ.ق

۱۷. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، ۹ جلد، دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۳ هـ.ق

۱۸. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین موضوع: فقه فتاوی نویسنده:

تاریخ وفات مؤلف: ۷۲۶ هـ.ق.

۱۹. خوش نقش، هادی و ادیبی مهر، محمد، تصحیح فقهی ضمان تعلیقی: بارویکرد نقد مواد ۶۹۱، ۶۹۹ و ۷۰۰ قانون

مدنی، آموزه های فقه مدنی، شماره ۲۴، مهر ۱۴۰۰، صص ۱۶۲-۱۳۷.

۲۰. خویی، سید ابو القاسم موسوی، منهاج الصالحین (للخوئی)، ۲ جلد، نشر مدینه العلم، قم - ایران، ۲۸، ۱۴۱۰ هـ.ق

۲۱. خمینی، سید روح الله موسوی - مترجم: اسلامی، علی، تحریر الوسيلة - ترجمه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۲۱، ۱۴۲۵ هـ.ق

۲۲. خوانساری، سید احمد بن یوسف، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، ۷ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران،

دوم، ۱۴۰۵ هـ.ق

۲۳. دیلمی، سلاّر، حمزة بن عبد العزیز، المراسم العلویة و الأحکام النبویة، در یک جلد، منشورات الحرمین، قم -

ایران، اول، ۱۴۰۴ هـ.ق.

۲۴. سبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الأحکام (للسبزواری)، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آية الله، قم - ایران،

چهارم، ۱۴۱۳ هـ.ق

۲۵. صدر، شهيد، سيد محمد، ما وراء الفقه، ۱۰ جلد، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت - لبنان، اول، ۱۴۲۰

۲۶. طباطبائي قمی، تقی، آراؤنا فی أصول الفقه - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۱

۲۷. طوسی، خواجه نصیر الدین، جواهر الفرائض در ارث (فارسی)، در یک جلد مترجم: شاهرودی، محمد حسن شفیعی، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۶ ه.ق.

۲۸. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، در یک جلد، دار الكتاب العربی، بيروت - لبنان، دوم، ۱۴۰۰ ه.ق.

۲۹. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية المحشی - کلاتر، ۱۰ جلد، کتابفروشی داوری، قم - ایران، اول، ۱۴۱۰

۳۰. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ ه.ق.
۳۱. عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة (ط - القديمة)، ۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربی، بيروت - لبنان، اول، ه.ق

۳۲. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، مؤسسه المعارف الإسلامية، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳ ه

۳۳. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية (المحشی - کلاتر)، کتابفروشی داوری، قم - ایران، اول، ۱۴۱۰ ه.ق. کاشانی، فیض، محمد محسن ابن شاه مرتضی، مفاتیح الشرائع، انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی - ره، قم - ایران، اول ه.ق.

۳۴. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه - مترجم: غفاری، علی اکبر و محم، من لا یحضره الفقیه - ترجمه، نشر صدوق، تهران - ایران، اول، ۱۴۰۹ ه.ق

۳۵. قمی، سید تقی طباطبائی، الأنوار البهية فی القواعد الفقهية، در یک جلد، انتشارات محلاتی، قم - ایران، اول، ۱۴۲۳ ه.ق

۳۶. قمی، سید صادق حسینی روحانی، فقه الصادق علیه السلام (لروحانی)، ۲۶ جلد، دار الكتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۲ ه.ق

۳۷. کرمانشاهی، آقا محمد علی بن وحید بهبهانی، مقامع الفضل، دو جلد، مؤسسه علامه مجدّد وحید بهبهانی، قم - ایران، اول، ۱۴۲۱ ه.ق

۳۸. کاتوزیان، ناصر. قانون مدنی در نظم حقوق کنونی. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۷.

۳۹. گیلانی، میرزای قمی، ابو القاسم بن محمد حسن، جامع الشتات فی أجوبة السؤالات، مؤسسه کیهان، تهران - ایران، اول، ۱۴۱۳ ه.ق

۴۰. لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة - الطلاق، المواريث، محقق، مصحح، واثقی، حسین، کریمی، حسین، مهدوی، رضا علی، ص ۴۹۲، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.

۴۱. مغنیه، محمد جواد، فقه الإمام الصادق علیه السلام، ۶ جلد، مؤسسه انصاریان، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۱ هـ ق.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، انوار الأصول - قم، چاپ: دوم، ۱۴۲۸ ق.
۴۳. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان، هفتم، ۱۴۰۴ هـ ق. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، ۱۹ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۵ هـ ق.
۴۴. نائینی، میرزا محمد حسین غروی - عراقی، آقا ضیاء الدین، علیکزازی، الرسائل الفقہیة (تقریرات، للنجم آبادی)، در یک جلد، انتشارات مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۱ هـ ق.
۴۵. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، ۱۹ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۵ هـ ق.
۴۶. یزدانی، غلامرضا، اشخاص و مجبورین. تهران: انتشارات اسلامی، ۱۴۰۱.
۴۷. یزدانی، غلامرضا، اعتبارسنجی معامله جهت تشبیه مرد به زن و بعکس، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره ۵۷، شماره ۲، اسفند ۱۴۰۳، صص ۴۵۸-۴۴۱.
۴۸. محمدی، مرتضی، ۱۳۹۳، مبانی فقهی حقوقی ارث ناشی از غرق و هدم، کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده علوم اقتصاد و دارایی، دانشگاه علامه محدث نوری
۴۹. محمدی، مرتضی، ۱۳۹۳، مبانی فقهی حقوقی ارث ناشی از غرق و هدم، کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده علوم اقتصاد و دارایی، دانشگاه علامه محدث نوری
۵۰. محسنی دهکلانی، محمد، براری لاریمی، «تأمل فقهی در ماده ۸۷۳ قانون مدنی (تعمیم میراث غرق شدگان و زیر آوار ماندگان به سایر مرگ های مشتبه)» پژوهش نامه ی فقه و اصول، شماره ی ۸۹/ ۱۳۹۱، دانشگاه مازندران
۵۱. خسروی نیا، بابک، «تحلیل و نقد ماده ۸۷۳ قانون مدنی»، الهیات و حقوق دانشگاه رضوی، ۱۳۸۵/۸
۵۲. لطفی، اسدالله، «استثنایات اصل تاخر حادث در باب غرق شدگان و زیر آوار رفته گان: نقد و بررسی رای دادگاه»، ۱، نشریه دانش حقوق مدنی، ۱۳۹۴/۴
۵۳. محامد، علی، ۱۳۸۴، «میراث غرق شدگان و زیر آوار ماندگان»، نشریه الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۸۴/۶۹
۵۴. حسینی، سید علی، جانی پور، محمد، علی اکبر باباکویی، احسان، «توارث در فرض استثنایی غرق و هدم»، بلاغ مبین، ۲۸ و ۱۳۹۰/۲۹
۵۵. محمدی، سام، واثقی، محسن، جعفری بهزاد کلایی، محسن، «ارث متواترین فوت شده هم زمان»، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، پاییز ۱۳۹۹/۶۱
۵۶. خدا بخشی، عبدالله، بررسی فقهی و حقوقی بخشی از احکام ارث در حوادث رانندگی، ۱۳۹۰/۶۸
۵۷. <https://www.leader.ir> 1403/4/17
۵۸. مهدی داودآبادی 1403/4/13، <https://edalatsara.com>

۵۹. ۱۴۰۳/۴/۱۷ (davoudabadi.ir)

۶۰. <https://dadfaran.com>, 1403/4/15

۶۱. wikihoghoogh.net, 1403/4/15

۶۲. نرم‌افزار گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۶۷۲، (معاونت آموزش قوه قضاییه).

نسخه پیش از انتشار